



کحات

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

شماره‌ی ۳

چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۳۹۶



آغاز فصل سوم

نخستین جشنواره تلویزیونی مستند

نگاهی به فیلم «نفت سیاه»



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ
عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ
وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا

سپاس خداوندی را
که بر بنده خود این،
کتاب را نازل کرد و
هیچ کجی و انحراف
در آن ننهاد.

قرآن کریم، سوره کهف
آیه نخست



نویسندگان:

رحیم ناظریان | مهدی اسدزاده | سهیل محمودی

همکاران:

مطهره کشاورز | اکرم سادات فاطمی | مهدی مجد | زکریا زرگانی
یاسر صدرنژاد | محمد حسین شفیق

عکاس:

سهراب خانزاده

مدیر هنری:

علیرضا بخشی

با سپاس از دبیرخانه‌ی جشنواره مستند
و کارکنان محترم خانه مستند انقلاب اسلامی

نشانی:

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک ساعی، جنب بیمارستان
مهرگان بن بست مهرگان، پلاک ۳
تلفن: ۸۸۷۸۳۶۴۵ - ۸۸۷۸۳۶۴۵، کد پستی: ۱۵۱۶۷۳۵۶۱۴
خواننده‌ی گرامی، تمام شماره‌های نشریه‌ی کمان را می‌توانید از
سایت زیر دریافت کنید
www.khanemostanad.ir

خانه مستند
انقلاب اسلامی





علی خسروی | کارگردان

چند ماه پیش بود که علی خسروی وارد یه مغازه تو خیابون انقلاب شد. دنبال یکی دو فیلم می‌گشت که دوست داشت ببینه. پیداشون نکرد، در عوض چیزی رو پیدا کرد که اصلاً توقعش رو نداشت؛ داشتند نسخه غیرمجاز مستندش رو با یه اسم دیگه می‌فروختند! فروشنده هم اونقدر از مستند خوشش اومده بود که کلی در موردش حرف زد!

علی خسروی ایستاده بود وسط یه مغازه تو میدون انقلاب و یکی داشت فیلمی که خودش ساخته بود رو براش تعریف می‌کرد؛ موبه مو، با اشتیاق!

یه وقت‌هایی هست که آدم نمی‌دونه باید خوشحال باشه یا عصبانی! اون روز برای علی خسروی یه همچین روزی بود.

نویسنده: مه‌دی
اسدزاده



نفتی که سیاه سیاه است

به گزارش روابط عمومی جشنواره تلویزیونی مستند، علی خسروی کارگردان مستند «نفت سیاه» درباره ساخت این مستند گفت: حوالی سال ۹۲ بود که من مطالعاتی در مورد وضعیت اقتصادی مردم مسجد سلیمان داشتم که این برای من با چیزهایی که از وضعیت منابع انسانی و طبیعی این منطقه شنیده بودم در تضاد بود. برای من سوال شد که چرا با وجود نیروی انسانی آماده به کار و وضعیت طبیعی مناسب در مسجد سلیمان، این منطقه باید با فقر دست و پنجه نرم کند و به یک جواب بیشتر نرسیدم و آن، نفت سیاه بود.



علی خسروی

نویسنده:

سپهیل محمودی

خسروی در مورد ایده اولیه «نفت سیاه» گفت:



انگلیسی‌ها با انحصار استخراج نفت در ایران، یک پیشنهاد به مردم مسجد سلیمان می‌دهند به نام رُشن که به معنای کارگری کردن برای انگلیسی‌ها به ازای دریافت یک بسته غذایی و حق الزحمه‌ای محدود بوده است؛ این برای من تبدیل شد به ایده اولیه «نفت سیاه»، چرا که برای مردم مسجد سلیمان نفت سیاه، سیاه است و همین طور برای ایران، چرا که باعث بسیاری از عقب ماندگی‌های اقتصادی ما شده است. با همین ایده تحقیقات فیلم آغاز شد و تقریباً یک سال به طول انجامید.

وی افزود: تقریباً سه یا چهار بار متن مستند را عوض کردیم تا این که دکتر اردشیر صالح پور متن فاخری نوشتند که مناسب فضای «نفت سیاه» بود. سعی کردیم تیم تولید، خیلی حرفه‌ای انتخاب شوند چون موضوع این مستند به گونه‌ای است که باید بیشتر دیده شود. این فیلم، یک درس نیست؛ بلکه یک عبرت است.



پوستر فیلم «نفت سیاه»



خسروی درمورد نوع روایت داستان در مسجد سلیمان گفت: در «نفت سیاه»، مسجد سلیمان راوی قصه است و از نفت سیاه که در دلش جوشیده بسیار گله مند است. مخاطب با مردم مسجد سلیمان همراه می شود و واگویه ها و درد دل های این مردم را می شنود. مردمی که علی رغم همه توانایی های محیطی و انسانی در فقری تاسف برانگیز زندگی می کنند.

مستند «نفت سیاه» به کارگردانی علی خسروی در خانه مستند انقلاب اسلامی تهیه شده است و با پذیرفته شدن در فصل سوم جشنواره تلویزیونی مستند، در روز چهارشنبه بیست و ششم مهر ساعت ۲۰ در برنامه جشنواره تلویزیونی مستند، روی آنتن شبکه مستند رفته است.





آمد، مسجد سلیمان را نابود کرد، رفت!

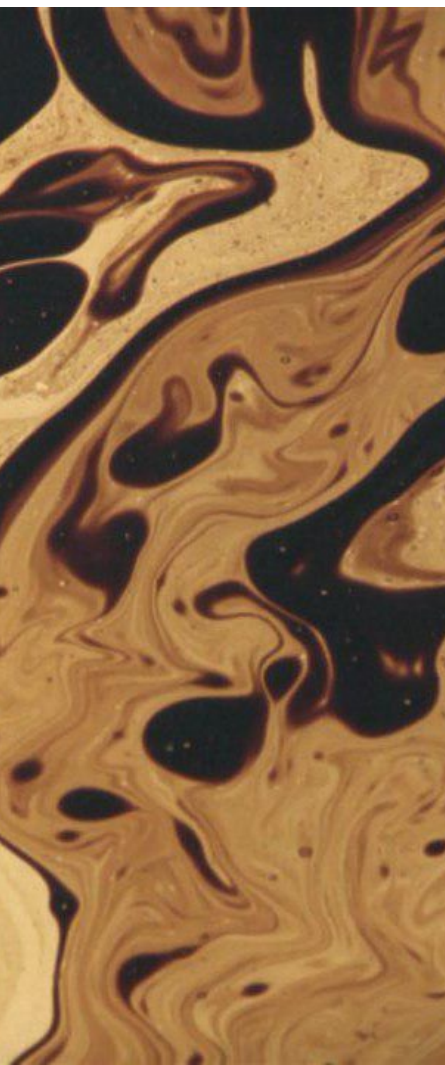
یادداشتی بر مستند «نفت سیاه» ساخته علی خسروی

مشخص، میراثی جز سیاهی و تباهی باقی نگذاشت. اگر مضمون فیلم درباره خود نفت بود می‌توانستیم به راحتی از کنار کلمه «سیاه» بگذریم و مجالی برای اندیشه نگذاریم، اما فیلم درباره ی نفت نیست. می‌توان موضوع فیلم را نفت دانست اما مضمون آن ناپدید شدن بختیاری‌ها و فرهنگ آنان در مسجد سلیمان است. به عبارتی می‌توان

کلیشه ای ترین صفت برای موصوفی چون نفت، می‌تواند کلمه سیاه باشد، اما در مستند «نفت سیاه» انگار باید همین کلیشه استفاده می‌شد تا خود، معنایی جدید و کاربردی نوییابد. کلمه «سیاه» اینجا اشاره به کنتراست بالای این رنگ دارد که همزمان با به وجود آمدن نفت سیاه در مسجد سلیمان، پس از دوره‌ای



نویسنده: رحیم ناظریان

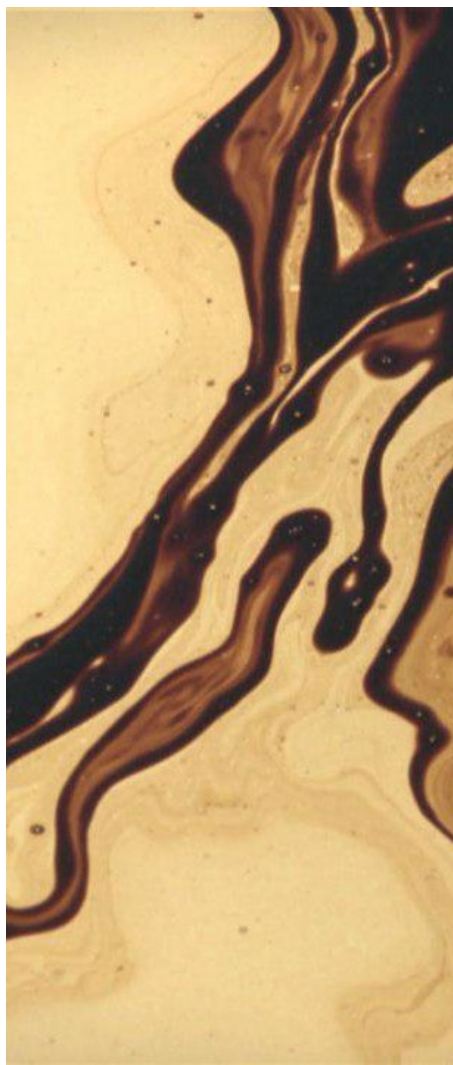


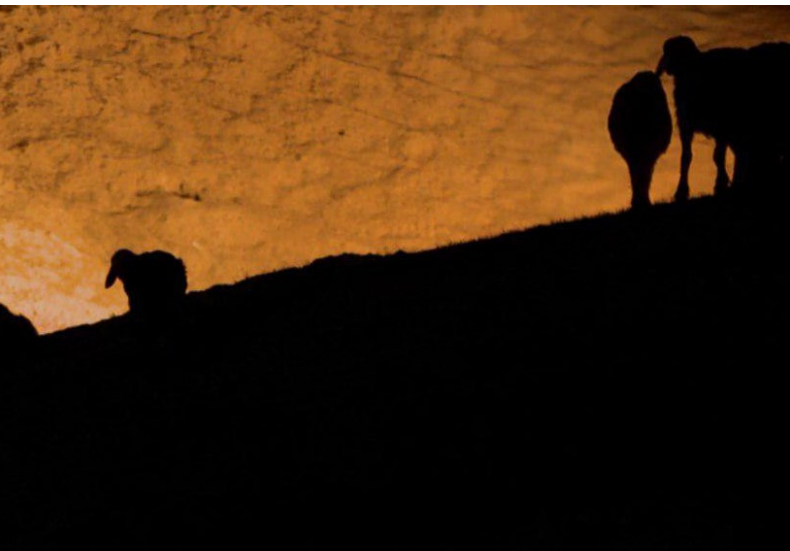
مضمون فیلم را این گونه خلاصه کرد:
نفت چگونه توانست نزدیک به یک
قرن، بختیاری های مسجد سلیمان را
به نابودی بکشاند؟ نفتی که عشایر را به
شهرنشین تبدیل کرد و بعد از اتمام ذخایر
چاه ها، بعد از یک قرن، دیگر اثری از
فرهنگ عشایری نیز نیست.

عنوان «نفت سیاه» به عنوان یک تابلو
برای فیلم، خود به عنوانی ضدکلیشه
بدل شده است، چراکه مستند از آغاز
تا پایان بر روند نزولی فروپاشی زندگی
و فرهنگ مسجد سلیمان از سیستم
عشایری به روش شهرنشینی است و با
پیش فرضی که این اسم قبل از دیدن اثر
به ما می دهد، ذهن به شکلی ناخواسته،
معطوف بر موضوع اقتصادی نفت و یا
تحولی که وجود آن بر همه جنبه های
زندگی مردم می گذارد، می گردد. معلق
نگاه داشتن مضمون در سینما، همواره
یکی از تکنیک های جذب و همراه نگاه
داشتن مخاطب است و در «نفت سیاه»
با نشان دادن سفر دور و دراز لوله های
انتقال نفت، از مسجد سلیمان به اهواز
در پلان های آغازین، این مضمون معلق
می ماند. به عبارتی به نظرمی رسد فیلمی

درباره صنعت نفت را شاهد هستید، اما این موضوعی حاشیه ای است، حاشیه ای که در ادامه فیلم به عنوان زمینه ای برای خلع سلاح مخاطب، از آن بهره برداری می شود. پلان های آغازین با حرکتی فست موشن از مسیر لوله های طویل نفتی است و شکل تصاویر در آغاز، این تصور را ایجاد می کند که نفت در مسجد سلیمان مسبب رونق و تحول شده است و شوق و ذوق حاصل از اکتشاف، بی شک آینده ای امیدوار کننده را ایجاد خواهد نمود، اما هنوز فیلم به نیمه نرسیده، اوج فاجعه رخ می نماید و دیالوگی تلخ بر کل فضای فیلم سایه می افکند: «نفت، رفت!»

مستند «نفت سیاه» مضمونی بسیار سرراست و چکیده دارد. انگار یک قرن تاریخ بختیاری های مسجد سلیمان در چهل دقیقه روایت می شود و این به دلیل همین سرراستی مضمون است. عظمت و انحطاط بختیاری های مسجد سلیمان با ورود نفت در حدود یک قرن پیش آغاز و با رفتن آن به سرانجامی تراژیک می رسد. نشانه های تصویری این انحطاط در فیلم با زیرکی نمایش داده می شود.





سکانس مربوط به
معرکه گبر و ماری
که از صندوق
بیرون می آید، به
کل فیلم، رنگی
دیگرگون می دهد.

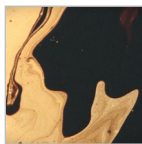
مستند «نفت سیاه» نه فقط مستندی
توصیفی بلکه حاوی رویکردی انتقادی
نیز هست. این که علاوه بر صدماتی
که نفت بر اکوسیستم تحمیل می کند
و آلودگی های زیست محیطی فراوان
در آب و هوا و خاک را سبب می شود،
می تواند از بعد فرهنگی نیز مخرب باشد
به همین دلیل می توان ادعا کرد رویکرد
فیلم ساز در بیان موضوع، بدیع بوده و تنها
به جنبه ای کلیشه از تاثیر منفی صنعت
بر محیط زیست اکتفا ننموده است.
اما اشتباه غیر قابل انکار «خسروی»

به طور مثال در یکی از صحنه های فیلم
که شاید خیلی به چشم نیاید، پیرمردی
درباره دوران عشایری بختیاری های
مسجد سلیمان و روزگار کوچ به مناطق
سردتر می گوید. دورانی که بعدها با ورود
نفت و کارگر شدن آن عشایر غیور به
نابودی کشیده شد؛ اما تصویر آرام آرام در
داخل بنای در حال ساخت آجری، این
سو و آن سو سرگردان است و این خود
نشانه ای بر سکونتی است که به دلیل
ورود نفت، عشایر کوچنده را خانه نشین
کرد.

می کشاند! می دانیم که سینما به عنوان فرمی زیبایی شناختی همچون ادبیات، در قبال کلمه، از «تصویر» به عنوان فرایندی بیانی سود می برد و نماها و پلان هادریک ساختار منظم، زبان را ایجاد می کنند و چه بسا پوشیده گویی های زبانی چه در ادبیات و چه در باقی هنرهاست که قابلیت های هنری را سامان می دهد. اما اینجا نریشن، نقش تخریب گر را دارد. برای شرح این موضوع، مثالی از فیلم می زنیم: یکی از سکانس های «نفت سیاه» اختصاص دارد به معرکه گیری که در گوشه ای از شهر پیر و فرسوده، نشسته و جمعی از مردم را با فربش ترغیب می کند که شاهد هنرنمایی ماری زهر آگین باشند که به دستور معرکه گیر از صندوقش بیرون می آید و با دستور او، مجدداً به درون آن باز می گردد. لایه های معنایی اثر در حالت نرمال، با کشف و کوشش مخاطب و جستجو و کنکاش او به دست می آید و اگر این کشف از او گرفته شود، به نوعی مخاطب از دایره ی مشارکت در تولید معنا، خارج شده است. سکانس مربوط به معرکه گیر و ماری که از صندوق بیرون می آید، به کلی فیلم، رنگی دیگرگون می



در برهم زدن نظام معنایی این مستند همچون نمونه های بسیار زیاد مستندهای تولید داخل، نحوه کاربرد نریشن در آن است. آنجایی که تصویر، همه زیر و بم محتوایی را به روشنی بیان می کند و درونمایه ی اثر در کنار موضوع و مضمون که در لایه زیرین متن نهفته است، عنصری کاملاً پویاست؛ نریشن و «صدای مسلط» و راوی غمگینی نیز حضور دارد که به عنوان عاملی اضافه و دست و پاگیر، ماجرای تصویر را مجدد شرح می دهد و اثر را به ورطه ساده انگاری



دهد. همه آنچه را که می‌توان به نابودی ایل بختیاری در مسجد سلیمان به واسطه نفت یا هر عامل دیگر نسبت داد، در همین سکانسِ معرکه گیر که ماهیت آن فریب و سرگرمی است می‌توان به وضوح دید. به عبارتی سکانسی به ظاهر بی‌ربط با موضوع فیلم که جزیک معرکه گیری ساده چیزی در چنته ندارد، اتفاقاً از نظر مضمون در راستای بسط و گسترش معنای کلی اثر است. به نوعی این سکانس نگاه استعاری و بیان پوشیده‌ی مولف در جهت شرح ماجرای اصلی هستند به حساب می‌آید، اما توضیح و اوضحات به واسطه نریشن، این ابهام و این استعاره را به شدت به «سطح» می‌کشاند و مخاطب را منفعّل از تلاش برای تاویل، به حاشیه می‌راند. دیالوگ‌های کاراکترهای این مستند به روشنی ما را با فریب انگلیسی‌ها پس از اکتشاف نفت آگاه می‌کنند و تصاویر نیز همین کارکرد را به درستی دارند:

تصویر به روشنی، علف را که نشانه دآمداری و روح زندگی عشایری است، زیر لوله‌های زنگ زده ی انتقال نفت نشان می‌دهد؛

- تصویر به روشنی، بختیاری غیور را در حال کارگری و به قول خودشان حمالي انگلیسی‌ها نشان می‌دهد؛

تصویر به روشنی، چاه نفت سیمانی شده‌ای که کارگری بختیاری در سال‌های دور، اتفاقی در آن فرو افتاد و جنازه اش امکان بیرون آمدن نداشت و فقط همه نظاره کردند که رنگ نفت به قرمزی زده بود و همان روز برای همیشه این چاه را پلمپ کردند، نشان می‌دهد؛

تصویر به روشنی گوسفندانی که در تاریکی شب، به دره‌ای شعله‌ور و نورانی، حاصل از شعله‌ی نفت بی‌استفاده در چاه‌های متروک، می‌روند را نشان می‌دهد؛

خوب خودتان بگویید دیگر سینما با تصاویری که دارد از جان و دل همه چیز را بیان می‌کند، چه کاری باید انجام دهد که ما دست از سرتوضیح و اوضحات و صدای مسلط و نریشن برداریم؟ نریشن با توضیح و اوضحات، سویه تاویلی اثر را نخ نما و اجازه کشف و کنکاش را از مخاطب دریغ می‌کند. در حالی که «صدای مسلط»، با دقت نظری بیشتر، در مراحل مختلف تولید و تدوین، می

تواند جایگزینِ معدود تصاویرِ دیگر شود و فیلم را همچون محصولی حاضر و آماده تحویل مخاطب ندهد.

در ادامه تشریح این زبان سینمایی که قابلیت‌های فیلمیک اثر را نشان می‌دهد، به یکی دیگر از سکانس‌های این فیلم اشاره می‌کنم: هنر آستره، هنری است خالی از شکلی طبیعی و در صدد بازنمایی رخداد یا شکلی نیست که در جهان واقع وجود داشته باشد. هنری است که تقلید از طبیعت یا حتی شبیه به آن بودن را برخلاف نظر ارسطو می‌جوید. در مستند «نفت سیاه» پلان‌هایی متعدد از فیلم به تصاویر سیاه و سفید و انتزاعی اختصاص دارد که از حرکت آرام نفت در بستری نامشخص به وجود می‌آید. تصاویری که تداعی‌گر هنر آستره در گونه‌های نقاشی یا عکاسی هستند. روغن و املاح درون نفت خام انگار در حال ترسیم تابلوهایی انتزاعی و ناپایدار با جذابیت شکلی اند و این تابلوها آرام آرام با جریان نفت برزمین، در حال تغییر شکل هستند.

شما هر چه می‌خواهید بگویید! حتی لعنم کنید که چه تاویل دور و نابه جایی

دارم، اما من با ادعایی تردید آمیز که آرام آرام به یقین تغییر می‌کند، می‌گویم که در نقش و نگار حرکتِ پس مانده‌های نفت که طرح‌هایی سیاه و سفید و آستره، می‌ساخت و در سیاهی و سپیدی اش دائم در نوسان بود، نقش و نگار سیاه و سفید لباس سنتی بختیاری‌ها را دیدم که با حرکت نرم و خشنِ همین نفت در طول سال‌ها، رنگ و نقش و طرح اصیلش را باخته است.

تاکید کارگردان بر این تصاویر انتزاعی، خود جای تامل دارد و به سادگی نمی‌توان از کنار آن عبور کرد. اما فراموش نکنیم که اینجا نفت خام خود به خود صنعت نیست، طبیعت است و طبیعت در نهایت امر سرو و کارش در تاویل عامه، با زیبایی است. این حرکت آرام و هنرمندانه‌ی نفت در پایان فیلم، حاصل ته مانده چاهی است که دیگر استفاده‌ای از آن نمی‌شود و انگار این نفت در پایان راهش، حالا جذابیت بصری و هنرمندانه اش را بروز داده است. نفتی که به روایت این مستند، «آمد، مسجد سلیمان را نابود کرد، و رفت.» اما زیباست!

فستیوال مستند

Documentaries

The First TV Festival of The
Mostanad TV Holds

روایت حقیقت در قلاب واقعیت
شبکه مستند برگزار می کند

فصل سوم نخستین جشنواره مستند

روزهای زوج | ساعت ۲۰:۰۰ از شبکه مستند

بازپخش ساعت ۲۴:۰۰

کد فیلم «نفت سیاه» برای شرکت
در مسابقه پیامکی: A4



جشنواره مستند

شما می توانید بعد از تماشای هر قسمت امتیاز خود را از یک تا پنج ستاره از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۰۸۱ با زدن کد فیلم به همراه عدد ستاره مورد نظر ارسال نمایید. ضمناً می توانید از طریق کانال اطلاع رسانی جشنواره به آدرس [@festmostanad](https://www.festmostanad.ir) و یا وبسایت جشنواره به آدرس www.festmostanad.ir در این نظرسنجی شرکت کنید.